یادداشت روز

مادر بمب‌های شما و پدر موشک‌های ما !

۱- چند روزی اســـت که ترامپ از به‌کارگیری بمب‌های MOAB معروف به «مادر بمب‌ها» علیه تاسیسات هسته‌ای کشورمان ســـخن می‌گوید و هر از چندگاه توئیت می‌زند و مصاحبه می‌کند که قصد دارد تاسیســـات هسته‌ای ایران و مخصوصاً تاسیسات «کوه کلنگ» را با این بمب‌ها ویران کند! ترامپ اگرچه به حماقت و بی‌شعوری شهره آفاق است، ولی با همه عقب‌ماندگی‌هایش باید درک کرده باشد که تاکنون به هیچ‌یک از اهدافی که در حمله به ایران اسلامی برشمرده بود، نه فقط نرسیده است، بلکه تقریباً همه رؤیاهای احمقانه‌اش با خروجی‌های معکوس روبه‌رو شده است. شکست سخت آمریکا در مقابل ایران اسلامی، شعار نیست، بلکه از یک‌سو، واقعیتی غیرقابل انکار است که تقریباً همه کارشناسان صاحب‌نام به آن اعتراف می‌کنند و از دیگرسو، برای ارزیابی پیروزی و یا شکست هریک از طرفین جنگ، فرمول شناخته‌شده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد که مراجعه به این فرمول هم از شکست قطعی آمریکا حکایت می‌کند. بخوانید!

۲- بر پایه فرمول یادشده، اهدافی که طرف آغازکننده جنگ برشمرده و رسماً اعلام کرده بود را فهرست می‌کنند و چنانچه به اهداف اعلام‌شده دست یافته بود، پیروز جنگ و در غیر این صورت، طرف شکست خورده تلقی می‌شود. حالا فقط به چند نمونه از اهداف رسماً اعلام شده آمریکا و نتیجه‌ای که با آن روبه‌رو شده است نگاهی بیندازید؛

الف: اعلام کرده بودند که نهایتاً ظرف دو هفته، کار ایران را تمام خواهند کرد ولی ۷ ماه از آغاز حمله دوم گذشته است و نتوانسته‌اند هیچ غلطی بکنند!

ب: رسماً اعلام کرده بودند که در پی براندازی جمهوری اسلامی ایران هســـتند(!) اما، ایران به‌اعتراف کارشناسان برجسته و بلندآوازه دنیا و از جمله، مقامات و اندیشکده‌های آمریکایی و اروپایی نه فقط با اقتدار ایستاده است، بلکه به چهارمین قدرت بزرگ جهان نیز تبدیل شده است و به قول حکیمانه رهبر معظم انقلاب، قـــدرت اول دنیا، چرا که خدا با ماست و ما سپاهیان حضرت بقیةالله‌الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هستیم.

ج: گفته بودند -و بازهم رســـماً و علناً- که بعد از حمله نظامی به ایران، مردم این کشور علیه حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی دست به شورش می‌زنند(!) ولی آنچه شاهد آن هستیم تجمعات انبوه و چند ده میلیونی و سراسری ملت مبعوث در حمایت از اسلام و نظام و تاکید بر ضرورت مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی است. تجمعاتی که روز دویست و سی و دوم خود را طی می‌کند و همه مردم دنیا را به حیرتی آمیخته با تحسین واداشته است.

د: ترامپ با شعار «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم... Make America Great Again» به میدان کارزار آمد ولی امروزه آمریکا به اعتراف مقامات ارشد جهانی به ضعیف‌ترین و شکننده‌ترین دوران تاریخ خود رسیده است تا آنجا که به نوشته روزنامه وال‌استریت ژورنال «ایران، آمریکا را به زانو درآورده است».

هــ: آمده بودند که گفتمان انقلاب را از میان بردارند. امروزه اما، آمریکا و رژیم صهیونیستی به منفورترین کشورها تبدیل شده‌اند. در مراسم رسمی، میادین ورزشی و... ترامپ را هو می‌کنند و نتانیاهو برای صندلی‌های خالی سخنرانی می‌کند! و در همان حال مردم در اروپا و آمریکا به حمایت از ایران اسلامی دست به تظاهرات می‌زنند و پرچم ایران را برمی‌افرازند.

و: درپـــی راه‌اندازی جنگ اقتصـــادی بودند که اگرچه آسیب‌هایی به بار آوردند ولی امروزه گلوی تجاری آنها زیر گام‌های استوار رزمندگان اسلام در تنگه هرمز و باب‌المندب تحت فشاری خفه‌کننده قرار دارد. آمریکا و کشورهای اروپایی با بحران خطرناک سوخت و تولیدات کشاورزی روبه‌رو شده‌اند. پایگاه‌های آمریکا در منطقه با خاک یکسان شده‌اند و هزینه آســـیب‌ها (بدون احتساب هزینه‌های کلان دیگر) به صدها میلیارد دلار رسیده است. همین دیروز نخست‌وزیر اسپانیا اعلام کرد که اروپا بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو از جنگ آمریکا علیه ایران خسارت دیده است.

ز: پیش از این نیز به نکته‌ای اشـــاره داشتیم و تکرار آن بی‌مناســـبت نیست. حدیث مکرر است، اما ملال‌آور نیست. اواخر ســـال ۱۳۹۷، هفته‌نامه آمریکایی ویکلی استاندارد با اشاره به درگیری‌ها و تنش‌های میان ایران و آمریکا و ناتوانی بارها به اثبات رسیده آمریکا در مقابله با ایران، نتیجه گرفته بود که تمامی رؤسای جمهور آمریکا، از کارتر تا اوباما (رئیس جمهور وقت آمریکا) در یک نقطه با امام خمینی اشتراک نظر دارند(!) و آن این که «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».

۳- و اما، آزمایش اولیه مادر بمب‌ها، در سال ۲۰۰۳ انجام شد و «لئون پانه‌تا»، وزیر دفاع سابق ایالات متحده آمریکا، رسماً اعلام کرد که این بمب برای هدف قرار دادن تأسیسات غنی‌ســـازی در ایران طراحی شده است(!). حیوان بی‌شعور (بلا نســـبت همه حیوانات) نمی‌دانســـت که چند سال بعد «مادر بمب‌های» آنها با «پدر موشک‌های» جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو می‌شود و ایران اسلامی هیچ حمله‌ای از سوی دشمنان خود را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. زیرساخت‌های آمریکا و حامیانش در منطقه و اروپا و حتـــی آمریکا از حمله پدر موشک‌های ایران در امان نخواهند بود. نظامیان آمریکایی در هر نقطه دنیا، خلبانانی که در حمله به ایران دست داشته و بسیاری از آنها شناسایی شـــده‌اند، تاسیسات هسته‌ای رژیم صهیونیستی و ســـایر کشورهای همپیمان آمریکا و... اهداف قانونی و شناسایی شده ما هستند. بمب‌های مادرتان را بفرستید تا موشک‌های ما پدرشان را درآورند... این گوی و این میدان...

حسین شریعتمداری

وزارت اطلاعات خبر داد

بازداشت ۱۱ مزدور آمریکایی - صهیونیستی کودتای دی‌ماه در ملکشاهی

سربازان گمنام امام زمان(عج) ۱۱ نفـــر از مـــزدوران دشـــمن آمریکایـــی- صهیونیســـتی در شهرستان ملکشاهی را شناسایی و بازداشت کردند.

اداره‌کل اطلاعـــات اســـتان ایلام در اطلاعیـــه‌ای اعلام کرد: ســـربازان گمنام امام زمان(عج) در پی ارســـال گزارش‌های مردمی و در ادامه اقدامات خود علیـــه مزدوران مجـــری توطئه دشـــمن جهت برهم‌زدن امنیت مردم و تخریـــب اموال عمومی و شـــخصی، ۱۱ نفر از مزدوران دشمن آمریکایی-صهیونیستی در شهرستان ملکشاهی را که در قالب سه تیم جداگانه سازماندهی شده بودند، شناسایی و بازداشت کردند.

این مزدوران دشـــمن در جریان کودتـــای دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز با اقدامات وحشـــیانه و تخریبی گسترده خود از جمله تیراندازی به ســـمت نیروهای حافـــظ امنیت و مقـــر پلیس، هدایت اغتشاشگران، تخریب گسترده اماکن دولتی و عمومی و قدرت‌نمایی با سلاح گرم و سرد، موجب بروز آسیب و ایجاد ناامنی برای شهروندان شده بودند.

به گزارش دفاع‌پرس، از این عوامل مزدور، مقادیری سلاح گرم و سرد نیز کشف و ضبط شده است.

کیهان بررسی کرد

انهدام تأسیسات هسته‌ای اسرائیل پاسخ هرگونه حمله به «کوه کلنگ»

سرویس سیاسی –

تهدید مکرر ایران به حمله نظامی توسط آمریکا و اسرائیل از جملـــه حمله به کوه کلنگ، مساوی است با پاسخ خشن و بی‌رحمانه ایران در تأسیسات هسته‌ای اســـرائیل. آمریکا و اسرائیل می‌دانند بازگشت به معادلات قبلی محال است.

جنگ ماهوی و سرنوشت‌ســـاز میان حق و باطـــل، میدان نصرت الهـــی و پیروزی اراده حق اســـت. تمدنـــی که بـــر پایه داروینیســـم اجتماعی، ســـلطه‌گری، استعمار و غارت ثروت ملت‌ها شـــکل گرفته اســـت، در مقابل ایران هویت‌مند و مقتـــدر بر پایه و اســـاس مکتب اهل بیـــت (علیهم‌الســـلام) که با گرایش روزافزون انســـان‌ها به ویژه در جهان غرب عالمگیر خواهد شد، معلوم است که رو به زوال است.

ایران بـــا تکیه بر اصول انقلاب اســـلامی و هدایت ولایت فقیه در مسیر حق حرکت می‌کند. منطقه و جهـــان را معـــادلات جدید ایران فراگرفته اســـت. ایران مرکز تعیین معادلات قدرت است و نظم فرسوده اســـتکباری در برابـــر نظم تمدنی مقاومت اسلامی در حال افول است.

آمریکا در این جنگ، به لحاظ انرژی و تسلیحات به شدت درمانده شده است. هزینه جنگ برای آمریکا بالاتر از تصورش تمام شد و برتری تســـلیحاتی‌اش بـــا دکترین جنگ نامتقارن ایران از بین رفت. خلاصه، دوره آمریکا به پایان رســـیده و این نظم مقاومت اســـت کـــه در حال گسترش در جهان است.

اســـرائیل نیز در مقابل قدرت ایران اسلامی فلج شده است و راهی جز فروپاشی ندارد. دیگر بدون در نظر گرفتن اراده ایران هیچ قدرتی نمی‌تواند در امنیت و تجارت و انرژی و اقتصاد جهان برنامه‌ای پیاده کند. اینکه جریان انـــرژی به نفع غرب باشـــد، دیگر تمام شـــد. معادلات سلطه به سد مقاومت برخورد کرده و کارایی ندارد.

این عصر، عصر اسلام است. در این شـــرایط تهدید مکرر ایران به حمله نظامی توسط آمریکا و اسرائیل از جمله حمله به کوه کلنگ، مساوی است با پاسخ خشـــن و بی‌رحمانه ایران در تأسیسات هسته‌ای اسرائیل. آمریکا و اسرائیل می‌دانند بازگشت به معادلات قبلی محال است.

حمله به کوه کلنگ؛ لاف‌زنی ترامپ در سایه ناکامی‌های میدانی آمریکا

تهدید ترامپ به حمله به کوه کلنگ، بار دیگر ادعاهای نظامی واشنگتن علیه ایران را در کانون توجه قرار داده است؛ تهدیدهایی که در ســـایه ناکامی‌های میدانی آمریکا، فاصلـــه میان رجزخوانی کاخ ســـفید و واقعیت میدان را برجسته می‌کند.

اظهـــارات تـــازه دونالـــد ترامپ، رئیس‌جمهور متوهـــم آمریکا، درباره احتمـــال حملـــه به کـــوه کلنگ، در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای نطنز، بار دیگر نشـــان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریـــکا همچنان بر ترکیـــب تهدید نظامی و فضاســـازی رســـانه‌ای برای اعمال فشـــار بـــر ایران تکیـــه دارد؛ رویکردی که در آن، بزرگ‌نمایی توان نظامی واشـــنگتن، بخشی از ابزارهای اثرگذاری بر محاســـبات طرف مقابل است.

ترامپ در حالـــی از امکان حمله بـــه این مجموعه ســـخن می‌گوید که میـــان تهدید لفظـــی، توانایی اجرای یـــک عملیات نظامی و دســـتیابی به نتیجه موردنظر، فاصله‌ای جدی وجود دارد. طرح مکـــرر چنین تهدیدهایی را می‌توان بخشـــی از تلاش واشنگتن برای ایجاد فضای روانی، القای برتری مطلق نظامـــی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی دانست؛ هرچند ارزیابی انگیزه دقیق این اظهارات، بدون شواهد بیشتر امکان‌پذیر نیست.

کوه کلنگ؛ هدفی که با هیاهوی رسانه‌ای از میان نمی‌رود

کوه کلنگ گزلا در نزدیکی مجموعه هسته‌ای نطنز قرار دارد. پس از آسیب دیدن بخشـــی از زیرساخت‌های نطنز در سال ۱۳۹۹، مقام‌های وقت سازمان انـــرژی اتمی از احـــداث مجموعه‌ای جدیـــد در دل کوه خبر دادند؛ اقدامی که اهمیت حفاظت از زیرساخت‌های راهبردی کشور را برجسته کرد.

آنچـــه کـــوه کلنـــگ را از دیگر تأسیســـات هســـته‌ای ایـــران متمایز می‌کنـــد، موقعیت زمین‌شـــناختی و عمق قابل‌توجه آن در دل کوه اســـت. بـــه گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، برآوردها حاکی از آن است که تالارهـــای زیرزمینی این مجموعه در عمق ۸۰ تا ۱۰۰ متری قرار دارند.

ایـــن ویژگی‌ها، کـــوه کلنگ را به یکـــی از تأسیســـات زیرزمینی مورد توجه در مقایسه با مجموعه غنی‌سازی فـــردو در اســـتان قم تبدیـــل کرده است.

درباره توان بمب‌های سنگرشکن ارتش آمریکا، از جمله مهمات نفوذگر ســـنگین (MOP)، برای وارد کردن آســـیب جدی به بخش‌های اصلی این مجموعه در چنین عمقی، تردیدهایی مطرح اســـت. از همین رو، کوه کلنگ به‌عنوان یکی از نقاط راهبردی ایران در برابر تهدیدهای هوائی مورد توجه قرار گرفته است.

ادعای نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای؛ پس تهدید دوباره کوه کلنگ برای چیست؟

دونالد ترامپ پس از حملات ژوئن ۲۰۲۵ مدعی شـــد تأسیسات کلیدی هســـته‌ای ایران به‌طور کامـــل نابود شـــده‌اند؛ ادعایی که کاخ سفید نیز بر آن تأکید کـــرد. بااین‌حال، تهدیدهای تازه او علیه کوه کلنگ در نزدیکی نطنز، پرسشـــی جدی درباره دامنه و نتیجه واقعی آن حملات مطرح می‌کند: اگر به گفته ترامپ، زیرساخت‌های هسته‌ای ایران کاملاً از بین رفته‌اند، چرا اکنون بار دیگـــر از حمله به یـــک مجموعه زیرزمینی مرتبط با همین برنامه سخن می‌گوید؟

اظهارات متناقض ترامپ، این تصور را ایجاد می‌کند که او در روایت‌سازی از نتایج حملات پیشین، بیش از آنکه به ارائه تصویری روشن و منسجم پایبند باشد، به اعلام پیروزی‌های بزرگ تکیه دارد. نمی‌تـــوان هـــم از نابودی کامل سخن گفت و هم دوباره همان پرونده را با تهدیدهای تازه به صدر اخبار آورد، بی‌آنکه درباره فاصله میان ادعا و واقعیت توضیح داد.

تنگه هرمز؛ غنیمت‌گیری ایران و شکاف میان ادعاهای آمریکا و واقعیت میدان

سال‌هاســـت واشنگتن با تبلیغات گســـترده، ارتـــش آمریـــکا را قدرتی شکســـت‌ناپذیر معرفـــی می‌کند؛ اما تحولات جنگ رمضان نشان داده است که برخورداری از تسلیحات پیشرفته، لزومـــاً به معنای تحقق تمام اهداف اعلام‌شده نیست. ترامپ در آغاز جنگ رمضان، از تضعیف توان موشکی ایران، نابودی نیروی دریایی کشور و جلوگیری از دســـتیابی ایران به سلاح هسته‌ای سخن گفت؛ بااین‌حال، ارزیابی میزان تحقق این اهداف نیازمند بررسی نتایج واقعی جنگ اســـت، نه تکرار ادعاهای کاخ سفید.

در همین چارچـــوب، ماجرای به غنیمت گرفتن دو شـــناور زیرسطحی بدون‌سرنشین آمریکایی توسط ایران، نمونه‌ای از چالش‌های عملیاتی پیش روی واشنگتن است. مقام‌های آمریکایی این رخداد را ناشی از نقص فنی وسیله دانستند، اما اصل ماجرا بار دیگر نشان داد که تجهیزات پیشرفته نیز از خطا و ناکامی مصون نیستند.

اکنون ترامپ بـــار دیگر با تهدید کوه کلنـــگ و تأسیســـات راهبردی ایـــران، از توان نظامی آمریکا ســـخن می‌گوید. اما پرسش اساسی همچنان پابرجاســـت: آیا تهدیدهای پرسروصدا به‌تنهائی می‌توانند نتیجه یک عملیات نظامی را تضمین کنند؟ تجربه جنگ و رخدادهـــای منطقه نشـــان می‌دهد که میان قدرت تبلیغاتی واشـــنگتن و نتیجـــه عملیاتی، فاصله‌ای وجود دارد که با ســـخنرانی و نمایش تسلیحات پر نمی‌شود.

اقتدار ایران با تهدیدهای ترامپ تعیین نمی‌شود

ترامپ بار دیگر نام کوه کلنگ را به میان کشـــیده است؛ گویی با چند جمله تند و نمایش قدرت، می‌توان هر مانعی را از سر راه برداشت؛ اما واقعیت میـــدان با هیاهوی کاخ ســـفید تغییر نمی‌کند.

آمریـــکا سال‌هاســـت از قـــدرت نظامـــی خـــود تصویری افســـانه‌ای ســـاخته، ولی تجربه جنـــگ رمضان نشـــان داد کـــه میـــان وعده‌هـــای پر سروصدای واشنگتن و آنچه در میدان محقق می‌شود، فاصله‌ای جدی وجود دارد.

کوه کلنگ برای ترامپ شاید فقط نام یک هدف روی نقشـــه باشـــد؛ اما تهدید کردن یک مجموعه راهبردی، با توانایی واقعی برای نابودی آن زمین تا آسمان تفاوت دارد. رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند هـــر روز تهدید تازه‌ای مطرح کند، اما تکرار تهدید، نه نشانه پیروزی است و نه تضمین‌کننده موفقیت. آنچه تعیین‌کننده است، واقعیت‌های میدانی اســـت؛ نه لاف‌زنی‌های سیاسی و نه تصویری که ماشین تبلیغاتی آمریکا از قدرت خود می‌سازد.

به خبرگـــزاری دانشـــجو، ایران بارها نشـــان داده اســـت که با تهدید عقب‌نشینی نمی‌کند و امنیت و منافع ملی خود را به جنگ روانی واشـــنگتن گره نمی‌زند. پیام روشن است: ترامپ هرچقـــدر می‌خواهد تهدیـــد کند؛ اما میان رجزخوانی پشت تریبون و اثبات قدرت در میدان، فاصله‌ای است که با شعار پر نمی‌شود.

خبر ویژه

کارشناس BBC استاد دانشگاه تهران شد!

حضور چهره‌ای با سوابق رسانه‌ای و مواضع ساختارشکنانه در جایگاه استاد مدعو دانشـــگاه تهران، موجی از حیرت و اعتراض را در میان جامعه دانشگاهی و دلســـوزان انقلاب ایجاد کرده است. انتصاب حاشیه‌ای اساتید حامی آشوب و چهره‌های وابســـته به رســـانه‌های بیگانه در نماد آموزش عالی کشور، ابهامات جدی و بی‌پاسخی را درباره نحوه نظارت و اهلیت‌سنجی مدرسان مطرح می‌کند.

هنوز افکار عمومی از وقایع تلخ گذشـــته و حاشیه‌سازی‌های برخی عناصر در صحن دانشـــگاه فراغت نیافته که این‌بار، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تریبونی برای فردی تبدیل شده که نه‌تنها از اولیه‌ترین مسئولیت‌های شهروندی و قانونی خود غافل است، بلکه سوابق متعددی در هتک حرمت باورهای اعتقادی مردم ایران دارد.

ســـپیده بیرشک که با نام «ســـپید» در فضای مجازی فعالیت می‌کند، در یادداشت‌های متعدد خود، مرزهای توهین و هتاکی را رد کرده است. وی در یکی از نوشته‌هایش آنچه را خوانش فلسفی و روان‌کاوانه می‌نامد، به تعابیری سراسر موهن درباره حضرت فاطمه زهرا (س) پیوند زده و با به کار بردن الفاظی نظیر «هیولا» و «عاری از کیفیت»، به ساحات مقدس دینی تاخته است؛ شخصیّتی که نماد پاکی و کرامت برای میلیون‌ها مسلمان است.

علاوه‌بر این، نامبرده صراحتاً در نوشـــته‌های شخصی خود مفاهیم انحرافی هویت جنســـیتی را ترویج کرده و خود را بـــا تعبیر «نان‌باینری» معرفی کرده و از «خروج از گنجه» ســـخن گفته اســـت. سؤال اینجاست که با کدام منطق و بر اســـاس چه معیاری، فردی با چنیـــن نگرش‌های انحرافی و عدم پایبندی به قانون عفاف و حجاب، شایســـتگی تکیه زدن بر صندلی تدریس دانشگاه تهران را پیدا کرده است؟

بررســـی ســـوابق رســـانه‌ای این فرد، لایه‌های ابهام‌برانگیز دیگری را برملا می‌سازد. سپیده بیرشک بارها به‌عنوان مهمان و کارشناس در ویژه‌برنامه «پرگار» شبکه BBC فارسی حضور داشته و در تهیه پادکست «شیرازه» نیز با این رسانه وابسته به دستگاه استعماری بریتانیا همکاری مستقیم داشته است. شبکه‌ای که سابقه عداوت آن با ملت ایران بر کسی پوشیده نیست.

چطور ممکن است فردی با کارنامه آشکار همکاری با BBC فارسی و مواضع هتاکانه در فضای مجازی، به راحتی ورود پیدا کند و هیچ ســـازوکار نظارتی در دانشگاه مادری کشور متوجه پیشینه او نشود؟

پذیرفتن ادعاهایی نظیر «ما مطلع نبودیم» یا «ســـوابق بررسی نشده بود» از سوی مسئولان دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات، عذر بدتر از گناه است. اگر مسئولان از این سوابق مطلع بوده‌اند و مجوز تدریس صادر کرده‌اند، باید رسماً پاسخ دهند بر اساس کدام صلاحیت علمی و اخلاقی چنین تصمیمی گرفته‌اند؟! و اگـــر بی‌اطلاع بوده‌اند، جایگاه ارزیابی و اســـتعلام‌های اولیّه در مرکز جذب و گزینش اســـاتید کجاست؟ آیا اعتبار دانشگاه تهران و باورهای نسل جوان باید قربانی بی‌تدبیری و انفعال مدیریتی شود؟

امـــروز جامعه دانشـــگاهی، دانشـــجویان انقلابی و افـــکار عمومی منتظر شفاف‌سازی فوری و اقدام قاطع ریاست دانشگاه تهران هستند. سکوت در برابر چنین نفوذهای آشکاری، خدشه‌ای سنگین به اعتبار علم و دین در نظام اسلامی است و باید مسئولان مربوطه پاسخگوی این غفلت بزرگ باشند.

اصلاح‌طلبان از «مذاکره» می‌گویند وقتی ترامپ درباره «مادر بمب‌ها» قُمپز در می‌کند!

در شرایطی که فضای سیاســـی و امنیتی منطقه بار دیگر آبستن تحولات پرتنش شده اســـت، گنده‌گویی‌های دونالد ترامپ درباره استفاده از سلاح‌های خاص و همزمانیِ آن با زمزمه‌های مذاکره از سوی طیفی از چهره‌های سیاسی غربگرا در داخل، به‌نظر می‌رســـد سفرای آمریکا در داخل ایران خواهان تسلیم در برابر امیال ترامپ هستند.

دونالـــد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تازه‌ترین گنده‌گویی خود، احتمال اســـتفاده از بمب GBU۴۳B، معروف به «مـــادر بمب‌ها» را رد نکرد و آن را ســـلاحی «بسیار قدرتمند اما غیرهســـته‌ای» توصیف کرد که «مانند یک بمب هســـته‌ای کوچک» اســـت. او همچنین به طور مشـــخص از احتمال حمله به تأسیســـات زیرزمینی «کوه کلنگ» در نزدیکی نطنز سخن گفت و مدعی شد که آمریکا «ممکن اســـت مجبور شود به آنجا برود» و «به سرعت آن را از بین خواهد برد». گزارش‌های متعددی نیز حکایت از بررسی طرح‌های نظامی برای هدف قرار دادن این سایت با بمب‌های سنگرشکن و حتی مادر همه بمب‌ها دارد.

با این حال، تحلیل کارشناسان و حتی رسانه‌های نزدیک به جریان انقلابی این تهدید را بیش از آنکه نشـــانه‌ای از یک حملـــه نظامی قریب‌الوقوع بدانند، بخشی از یک «جنگ روانی-رسانه‌ای» ارزیابی می‌کنند. استدلال اصلی این است که «مادر بمب‌ها» برای تخریب اهداف سطحی و گسترده طراحی شده و برای نابودی تأسیساتی که در عمق بیش از ۱۰۰ متری زمین و پشت لایه‌های سنگ گرانیت و بتن قرار دارند، کارایی لازم را ندارد. از این منظر، تهدید به اســـتفاده از MOAB علیه «کـــوه کلنگ» بیش از آنکه یک راهبرد نظامی عمل‌گرایانه باشد، ابزاری برای اعمال فشار حداکثری و ایجاد رعب و وحشت روانی است.

درست در همین شرایط حساس که تهدیدهای نظامی علیه زیرساخت‌های حیاتی کشـــور تشدید شـــده، طیفی از چهره‌های سیاسی موسوم به غربگرا بار دیگر دم از مذاکره و تعامل با غرب می‌زنند. این هم‌صدایی، از دیدگاه منتقدان، نه تنها نشـــانه درک واقع‌بینانه از شـــرایط نیست، بلکه «تقلایی هماهنگ برای بازتولید گفتمان ترس و ســـازش» در حساس‌ترین مقطع تاریخی کشور تلقی می‌شـــود. برخی تحلیلگران سیاسی تأکید کرده‌اند که قرینه سخنان این افراد یعنی تسلیم شدن در برابر آمریکا.

پرســـش بنیادین این است که آیا در شـــرایطی که دشمن علناً از بمباران تأسیسات حیاتی کشور و استفاده از قدرت‌مندترین سلاح‌های غیرهسته‌ای خود ســـخن می‌گوید، طرح مذاکره، اقدامی عاقلانه و منطقی است؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد. مذاکره در چنین وضعیتی، نه از موضع قدرت، بلکه از موضع ضعف و انفعال صورت می‌گیرد و عملاً به معنای پذیرش شـــروط طرف مقابل پیش از آغاز هر گونه گفت‌وگوست.

جمهوری اسلامی ایران در یک دوراهی راهبردی قرار گرفته است؛ یا تسلیم در برابـــر تهدیدهای نظامی و روانی، و یا تکیه بر قدرت بازدارندگی و مقاومت. تهدید به استفاده از «مادر بمب‌ها» را باید در چارچوب یک جنگ روانی تمام‌عیار تفسیر کرد که هدف آن، نه لزوماً یک حمله فیزیکی، بلکه شکستن اراده ملی و وادار کردن ایران به پذیرش مذاکره‌ای نابرابر است. در چنین شرایطی، هرگونه عقب‌نشـــینی تاکتیکی و تن دادن به مذاکره، نه راه نجات، بلکه «تکرار تجربه ترکمانچای» و آغاز فصل جدیدی از امتیازدهی به قدرت‌های غربی خواهد بود.

راغفر: تصمیمات اقتصادی دولت مشکوک است

۶ شـــهریور ۱۴۰۵، مســـعود پزشکیان از قاب رســـانه ملی اعلام کرد: «ارز کـــم داریم»؛ اما مدتی بعد، بانک مرکزی از اختصـــاص ۱۰ هزار دلار ارز برای هر فرد بالای ۱۸ ســـال خبر داد؛ حســـین راغفر تناقض موجود میان سیاست اعلامی و دستورالعمل اجرائی دولت را «مشکوک» خواند و گفت: «آنچه دولت و نهادهای همسوی دولت انجام می‌دهند، مشکوک است و نمی‌توان این اتفاقات را خوش‌بینانه تحلیل کرد».

حسین راغفر، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا(س) در گفت‌وگو با هفته‌نامه «صبح صادق» اظهار داشت: «از یک‌سو دولت مدام بابت نداشتن ارز از ناله و گلایه دارد، اما از آن‌سو رئیس بانک مرکزی ارزپاشی می‌کند و می‌گوید ارز داریم! از طرفی می‌گوید صادرات نفت صفر شده است».

راغفـــر ادامه داد: «آنچه بانک مرکزی و دولت در موضوع افزایش نرخ ارز و گرانی‌هـــای اخیر انجام داده‌اند جز افزایش تنش اجتماعی و معضلات اقتصادی ماحصلی دارد؟! اینجاســـت که می‌گوییم آنچه دولت و نهادهای همسوی دولت انجام می‌دهند، مشـــکوک اســـت و نمی‌توان این اتفاقات را خوش‌بینانه تحلیل کرد از طرفی می‌گوید ارز داریم و طرح‌هایی مبتنی بر ارزپاشی ارائه می‌دهد یا خـــودروی خارجی گران‌قیمت و لوکس وارد می‌کنند. واردات خودروی خارجی با تعرفه‌های بالا به معنای این اســـت که دولت هر دلار خود را در ازای واردات خودرو ۵۰۰ هزار تومان فروخته است».

فاصله ایده و عملکرد دولت در زمینه اقتصادی روز به روز بیشـــتر می‌شود؛ فاصلـــه‌ای که در سیاســـت‌های ارزی، نحـــوه تخصیص منابـــع و اولویت‌های وارداتـــی بیش از پیش خود را نشـــان می‌دهد؛ از این رو مســـئله اصلی میزان ارز موجود نیســـت، بلکه چگونگی مدیریـــت و تخصیص و تزریق آن در جامعه است.

گفت و شنود

وفاق و اتفاق!

گفت: چه خبر؟!

گفتم: دانشگاه تهران خانمی را که در کارنامه خود همکاری آشکاری با شبکه BBC فارسی داشـــته و در فضای مجازی مواضع هتاکانه‌ای علیه ایران و نظام و مردم این کشـــور دارد، به عنوان استاد مدعو در دانشکده ادبیات این دانشگاه دعوت به کار کرده است!

گفت: شاید از سوابق و کارنامه سیاه او باخبر نبوده‌اند؟!

گفتم: اگر باخبر بوده‌اند که هویت خودشـــان زیر ســـؤال است و اگر باخبر نبوده‌اند که حضورشـــان در مسئولیت فاقد اعتبار است و در هر دو حالـــت، مانند همان خانم هتاکی که به کار گرفته‌اند، باید از مسئولیت کنار گذاشته شوند.

گفت: احتمالاً بهانه می‌آورند که دنبال «وفاق»! بوده‌اند!

گفتم: وفاق میان کسانی است که اصول اسلامی و انقلابی مشترکی دارند و فقط ســـلیقه‌های سیاسی آنها متفاوت است و نه با کسانی که مواضع ضدانقلابی و هتاکانه دارند!

گفت: مسئولان مربوطه احتمالاً خواهند گفت که اشتباهی رخ داده است و با جلوگیری از حضور او قابل جبران است!

گفتم: در جواب باید گفت؛ احتمالاً در ســـپردن مسئولیت به آنها نیز اشتباهی رخ داده است و با برکناری مسئولان مربوطه قابل جبران خواهد بود! وفاق و اتفاق ریشـــه یکسانی دارند و راهکار آن است که استاد مدعو و مسئول دعوت‌کننده به اتفاق هم اخراج شوند. این هم تعریف دیگری از وفاق است!

برخلاف ادعای برخی از مدعیان اصلاحات

عراقچی: توافق اسلام‌آباد را آمریکا نقض کرد

سرویس سیاسی-

وزیر امور خارجه گفت: اقدامات یکجانبه و تجاوزات نظامی آمریکا مانع اجـــرای تفاهم‌نامه شـــد و سازوکارهای حل‌وفصل اختلافی که در آن پیش‌بینی شده بود نیز نادیده گرفته شد.

هم‌آوایی آشکار مدعیان اصلاحات با ســـنتکام، بار دیگر از تحریف آشکار حقایق و تطهیر متجاوز پرده برداشت. در حالی کـــه طیف غرب زده با اتخاذ موضعی، پاسخ قانونی نیروهای مسلح به نقـــض عهـــد آمریـــکا را «اقدامی خودسرانه» و «بهانه نقض تفاهم نامه» جا می‌زنند، واقعیات میدانی و حقوقی صراحتاً پاتک به این توهمات است.

ســـخنگوی ســـپاه پاســـداران و حتی دستگاه دیپلماسی کشورمان با صراحـــت اعلام کردند کـــه برخورد با کشتی‌های متخلف، نه یک اقدام بدون هماهنگی، بلکه دفاعی مقتدرانه از حق حاکمیت ایران در تنگه هرمز و پاسخی دندان‌شکن به ۳ بار نقض عهد صریح و جنایات نظامی واشنگتن بوده است.

مواضع مـــوازی وزیر امور خارجه در ارائه ابتکار عمل ۷ روزه و افشـــای تجاوزات آمریکا نیز اثبات کرد که علت اصلی بن‌بست توافقات، «خوی بدعهدی و تروریسم ساختاری کاخ‌سفید» است.

قلم‌به‌دست‌های مزدور وطنی که به جای محکومیت دشمن، جبهه خودی را متهم می‌کنند، عمیقاً در سناریوی جایگزینی جای «قربانی» و «متجاوز» بازی کرده و عملیات مکمل جنگ روانی دشمن را پیش می‌برند.

ســـید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اســـلامی ایران روز شنبه (۲۵مهرماه) در نشست شورای وزیران امور خارجه ســـازمان همکاری اسلامی در بغداد به سخنرانی پرداخت.

عراقچی با تشـــریح صریح موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر، پیامی روشن به کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای ارسال کرد: «انتخاب پیش روی ما ســـاده است؛ یا امنیت را با هم می‌سازیم یا ناامنی را با هم تحمل خواهیم کرد.»

وزیر امور خارجه ایران با قدردانی از میزبانی دولت و ملت عراق و تلاش‌های سازمان همکاری اسلامی، تاکید کرد: باز نگه داشـــتن مسیر گفت‌وگو میان کشورهای اسلامی نشانه ضعف نیست، بلکه یک مسئولیت تاریخی است.

وی با اشاره به اصول منشور ملل متحد و سازمان همکاری اسلامی مانند برابری حاکمیتی، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی، خواستار اجرای یکپارچه و غیرگزینشی این اصول در تمام سطوح بین‌المللی شد.

روایت تجاوزات نظامی و ایستادگی ایران در برابر جنگ‌طلبی آمریکا و رژیم صهیونیستی

عراقچی در بخش مهمی از سخنان خود، رویکرد ایالات متحده آمریکا را در برابر دیپلماسی ایران به چالش کشید و اعلام کرد که در طول دو سال گذشته، تهران همواره بر دیپلماســـی و حقوق بین‌الملل تاکید داشـــته، در حالی که واشنگتن مســـیر تجاوز، ترور و جنگ اقتصادی را برگزیده است.

وزیـــر امـــور خارجه بـــا ارائه آمار و جزئیاتـــی تکان‌دهنـــده از جنایات متجـــاوزان، ابعاد انســـانی این جنگ را تبیین کرد. وی به شـــهادت حدود ۵ هزار نفر از جمله صدها زن و کودک در جریان تجاوزات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره نمود و مستنداتی از اقدامات جنگی متجاوزان ارائه داد؛ از جمله شهادت بیش از ۱۶۰ دانش‌آموز و معلم در میناب، حمله به ورزشگاه لامرد با بمب‌های خوشه‌ای، بمباران تاسیسات آب‌شیرین‌کن در قشم و هدف قرار دادن مراسم عروسی در کوهستک سیریک.

وی با محکوم کـــردن ترور رهبر معظم انقلاب اسلامی و دیگر مقامات ارشد سیاســـی و نظامی ایران توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی، تاکید کرد: تلاش متجاوزان برای وارونه جلوه دادن حقیقت و تعویض جای قربانی و متجاوز راه به جایی نخواهد برد.

عراقچـــی ضمـــن قدردانـــی از همبســـتگی کشـــورهای عضو در این روزهای دشوار، خواســـتار ایستادگی قاطعانه ســـازمان همکاری اسلامی در برابر تجاوز به حاکمیت و تمامیت ارضی ایران به عنوان یکی از اعضای مؤسس این سازمان شد.

طرح ابتکار عمل ۷ روزه برای تنگه هرمز و اتمام حجت با واشنگتن

عراقچی تصریح کـــرد: جمهوری اسلامی ایران همواره به ناوبری ایمن و امن در این آبراه حیاتی پایبند بوده و تنگه هرمز تا ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ کاملاً باز و امن بوده است. وی ناامنی‌های اخیر در حوزه دریانوردی را نتیجه مستقیم اقدامـــات تجاوزکارانـــه و بمباران‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی دانست.

وی با یادآوری تفاهم‌نامه ۱۵ ژوئن اسلام‌آباد که با مساعی جمیله پاکستان و حمایـــت قطر به امضا رســـیده بود، خاطرنشان کرد: ایران بر اساس بند ۵ این تفاهم‌نامه، بلافاصله گفت‌وگوهای فنی را با عمان آغـــاز کرد و ظرف دو هفته، تردد دریایی به ۶۰ درصد سطح پیش از جنگ بازگشـــت. اما بدعهدی و تجـــاوزات نظامی مجدد آمریکا مانع اجرای کامل این توافق شد.

عراقچی با افشـــای طـــرح جدید دیپلماتیـــک ایران اعلام کـــرد: ایران با وجود بی‌اعتمادی عمیق ناشـــی از بدعهدی‌های طـــرف مقابل، همچنان در دیپلماسی را باز نگه داشته است. ما از طریق کشور قطر یک برنامه مشخص و عملیاتی ۷ روزه را به طرف آمریکایی منتقل کرده‌ایم. بر اساس این طرح، در صورت فراهم شدن شرایط لازم و توقف تجاوزات، امنیت و تردد عادی در تنگه هرمز ظرف هفت روز بازخواهد گشت. اکنون توپ در زمین آمریکا اســـت و انتخاب با واشنگتن خواهد بود.

تاکید بر مسئله فلسطین و هشدار نسبت به بحران انسانی در یمن

وزیر امـــور خارجه ایـــران آرمان فلســـطین را همچنان مسئله اصلی و محوری جهان اســـلام خواند و غزه را نمادی از ناکامی سازوکارهای بین‌المللی در جلوگیری از نسل‌کشی دانست. وی با ابراز نگرانی از کشتار مداوم بی‌گناهان و تهدیدات علیه قدس شریف، از همه کشـــورهای عضو ســـازمان همکاری اسلامی خواست تا برای پایان دادن به محاصره و کشتار در فلسطین، دست به اقدامات عملی و هماهنگ بزنند.

عراقچـــی همچنیـــن بـــه بحران ده ساله یمن اشاره کرد و نقش آمریکا و متحدانش را در بروز یکی از شدیدترین فجایع انسانی امروز انکارناپذیر دانست.

وی با تاکید بـــر حمایت ایران از حاکمیت، اســـتقلال و تمامیت ارضی یمن و همچنین عربســـتان سعودی، تصریـــح کرد که هیـــچ راه‌حل نظامی برای بحران‌هـــای منطقه وجود ندارد و اصرار بر رویکردهـــای نظامی صرفاً اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند. او آمادگی ایران را برای تسهیل گفت‌وگوها میان طرف‌های یمنی بر اساس نقشه راه صلح قبلی اعلام کرد.

مشکلات منطقه باید توسط خود کشورهای منطقه حل‌وفصل شود

عراقچی در جمع‌بندی ســـخنان خود به تشریح دکترین امنیت منطقه‌ای ایران پرداخت و تاکید کرد: مشکلات منطقه باید توســـط خود کشـــورهای منطقـــه و از درون حل‌وفصل شـــود، پیـــش از آنکه به بهانه‌ای برای مداخله و جنگ‌افروزی قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل گردد.

وی بـــا لحنـــی برادرانه خطاب به کشورهای همســـایه خاطرنشان کرد: سرزمین، حریم هوائی و زیرساخت‌های هیـــچ کشـــوری در منطقـــه نباید به سکویی برای حمله به کشور همسایه تبدیل شود.

وزیر امور خارجـــه ایران با تاکید بر اینکه ایران هرگـــز اجبار، تهدید و فشـــار را نخواهد پذیرفت، یادآور شد: صلـــح و امنیـــت پایدار تنهـــا بر پایه احترام متقابـــل و تضمین‌های معتبر بنا می‌شـــود و جمهوری اسلامی ایران برای ساختن امنیتی مشترک و پایدار، آماده همکاری کامل با تمامی برادران و همسایگان خود است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* رزمنـــدگان مقاومت فلســـطین و حمـــاس قهرمان با عملیـــات هفتم اکتبر (طوفان‌الاقصی) بزرگ‌ترین عملیات تاریخ مقاومت را رقم زدند و ساختار امنیتی رژیم غاصب صهیونیستی را مفتضح نمودند!

راحت

* عملیات طوفان‌الاقصی مســـیر فروپاشـــی قطعی رژیم صهیونی را تثبیت کرد. این عملیات بزرگ نه تنها افسانه شکست‌ناپذیری ارتش اشغالگر و کودک‌کش را برای همیشه فرو ریخت، بلکه جبهه مقاومت را در سراسر منطقه به یک واقعیت راهبردی غیرقابل انکار تبدیل کرد.

رستگار

* آمریکایی‌هایی که تمام پایگاه‌های خود در منطقه را از دست داده‌اند بدانند که رؤیاها و خواب‌های شـــیطانی ترامپ فاسد برای تجزیه خاک ایران تعبیر نخواهد شد! و آمریکا روزبه‌روز به افول نزدیک‌تر می‌شود.

نورانی

* یک شبکه فرانسوی می‌گوید؛ جنگی که به قول ترامپ قرار بود یک گشت‌وگذار کوتاه باشد سرانجام منجر به غافلگیری قوی‌ترین ارتش جهان توسط پهپادهای ایرانی و خودکشی ملوانان آمریکایی شد! شتر درخواب بیند پنبه دانه!

مهربان

* نام و یادِ امام شهید خامنه‌ای، این مردِ کم‌نظیرِ الهی، برای همیشه تاریخ زنده خواهد بود. دشمنان مردم می‌گفتند او مخالف تمدنِ ایران است امـــا امام سیدعلی خامنه‌ای، ایرانی‌ترین ایرانی بود.

کابلی

* سابقه ندارد که شیطان بزرگ ۱۶ ماه، خود را درگیر جنگ با یک کشور کرده باشد و نتواند آن کشور را شکست دهد، بلکه حتی تیر و ترکش‌های جنگ مانند بومرنگ به زیرســـاخت‌های اقتصاد و سیاست داخلی و پرستیژ نظامی-امنیتی-دیپلماتیک آمریکا آسیب بزند!

قجه‌ای

* ترامپ گفته در جنگ بعدی، مادر بمب‌ها را علیه ایران استفاده می‌کنیم. جوابش را یکی از مســـئولین کشـــورمان داده اســـت که آن موقع ما هم از پدر موشک‌ها استفاده خواهیم کرد.

شاه‌نظری

* رابرت کیگان از چهره‌های برجسته نومحافظه‌کار می‌گوید: منطقه، سال‌ها تحت سلطه آمریکا بود اما امروز در شرایط کاملاً جدیدی قرار دارد. ایران مستقیماً با یک ابرقدرت و اسرائیل روبه‌رو شده، مقاومت کرده و پیروز شده است.

سوداگر

* رابرت پیپ استاد دانشگاه شیکاگو می‌گوید؛ آمریکا از نظر استراتژیک شکست فاجعه‌باری خورد. ایران، اکنون قدرتمندتر از قبل است. این که از هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر قیمت بنزین را در شیکاگو تعیین کند، یعنی قدرت... جمهوری اسلامی به تمام جهان نشان داد که آمریکا از نظر نظامی و اقتصادی شکست خورده است. آمریکا بمباران کرد و ایران جواب داد.

زمانی

* گفته می‌شـــود محمد بن‌سلمان، ولی‌عهد عربســـتان سعودی، در پی تشدید حملات موشـــکی نیروهای یمن به ریاض، رفت‌وآمد خود را به کاخ‌های به‌شدت حفاظت‌شده و مجهز به پناهگاه‌های مستحکم محدود کرده و تحت تدابیر امنیتی ویژه قرار گرفته است. تدابیر حفاظتی پیرامون ولی‌عهد به‌طور چشمگیری افزایش یافته است! حال باید کلاه خود را قاضی کنیم و قدردان باشیم که رهبر مقتدر و عزیز کشورمان که نخ عبای ایشان ارزشمندتر از این جماعت است علی‌رغم هشدار جنگی، حاضر به رفتن به پناهگاه نشدند!

امیری

* از قرار معلوم شروع چهارمین کنفرانس داخلی گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب با گزارش‌های پرحاشیه و جنجالی از مسئله فساد مالی داخلی بوده است. بر اساس اســـناد و شواهد افشا شـــده، کمک‌های مالی که طی مدت اخیر از جانب اعضای ساکن در کشـــورهای اروپایی برای حمایت از این گروهک‌ها ارسال شده، صرف خرید منازل مسکونی در شهر اربیل برای سران گروهک شده است.

صدقیانی

* درس‌های دو دهه مذاکره و توافق، عهدشکنی غرب، جنگ تحمیلی و مقاومت پیروز باید ما را رشد دهد و به‌روز کند. تکرار گزاره‌های ابطال‌شده از سوی برخی عناصر سیاسی غربگرا، عین تحجر و ارتجاع است.

آقادایی

* نیروهای مزدور ســـعودی در جبهـــه باب‌المندب حماقت جدیدی را تکرار و با حملـــه مجدد به مواضع دلاورمردان انصـــارالله، تلاش کردند خود را به ذوباب در دهانه باب‌المندب برسانند اما در کمین موشک‌های انصارالله و تیرهای غیب گرفتار شده و با برجای گذاشتن ده‌ها کشته از جمله دو فرمانده تیپ، عقب‌نشینی کردند. خدا مزد اخلاص انصارالله را نقداً پرداخت می‌کند.

نیکخو

* در دیپلماسی، درها را به‌طور کامل نمی‌بندند، بلکه حتی اگر این شکاف بسیار تنگ باشـــد، راهی برای بازگشت در صورت لزوم باقی می‌گذارند. از همین منظر دیپلماتیک، تهران به واشـــنگتن گفته اســـت که درباره پرونده هسته‌ای مذاکره نخواهـــد کرد و هر توافقـــی در ابتدا باید بر مبنای هفت شـــرط ایران و موضوع تنگه هرمز شکل بگیرد.

عنایت‌الهی

* با شمارشی که صورت گرفته، از ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ تاکنون مجموعاً ۹۸ اظهارنظر از دونالد ترامپ با مضمون شکســـت، نابودی یا فروپاشی توان نظامی ایران ثبت شده است. باید گفت دروغ‌های سگ زرد کنتور نمی‌اندازد و قطعا خودش هم این حرف‌های مفت را قبول ندارد.

فریادی

* خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق یکی از اهدافی بود که شهیدان مقاومت حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی‌المهندس برای آن جان خود را فدا کردند و امروز ملت عراق آن را به‌عنوان آغاز دوران حاکمیت ملی و تعیین سرنوشت خود گرامی می‌دارد.

نعمت‌اللهی

* کاهش شدید تردد کشـــتی‌های تجاری از تنگه هرمز نشان می‌دهد که حتی قدرت نظامی آمریکا نیز نمی‌تواند به‌سادگی امنیت و جریان عادی کشتیرانی در ایـــن آبراه را تضمین کند. نتیجه می‌گیریم که این آبراه، بار دیگر محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا را آشکار کرده و درسی مشابه آنچه واشنگتن در جنگ ویتنام آموخت پیش روی آمریکا قرار داده است.

میمندی

* آمریکا و رژیم صهیونی با راه‌اندازی گروهک داعش، جولانی را بر سوریه حاکم کرده و صدها انســـان بی‌گناه ســـوری را به قتل رساندند! آن وقت این فاسقان و فاجران سخن از حقوق بشر هم بر زبان می‌آورند!

بختیاری

* اشتباه دشمن این است که نظام دفاعی جمهوری اسلامی ایران را، تنها در ساختار و سازمان نیروهای مسلح می‌بیند در حالِی که ایران لایه لایه، نظام دفاعیِ-تهاجمی دارد. این لایه‌ها وجود عینی داشته و هرکدام در زمان لازم فعال خواهَند شد.

دیالمه

* یک طیف از سیاسیون، با گفتمان و گرایش سیاسی مشخص، به وسیله گوساله ســـامری مذاکرات، جان، مال و معیشت ملت را گروگان گرفته و بیش از ۱۰ بار بعد از انقلاب وارد گفتمان کاهش‌تنش با دشمنی شده‌اند که صریحاً و بارها گفته با ایران و ایرانی یک خصومت ۲۵۰۰ ســـاله و جنگ تمدنی دارد. در هر دوره نیز از مذاکره نتیجه نگرفته و حتی جنگ به کشـــورمان تحمیل شده است اما آنان باز هم عبرت نگرفته‌اند.

منشادی

* از آقای ظریف درخواست داریم به جای حاشیه‌سازی، به افکار عمومی از ماجرای فرانچســـکو و دُری اصفهانی و نحوه حضورشان در تیم مذاکراتی برجامی توضیح داده و مردم را در جریان بگذارند!

نوربخش مشهد

* آقای کرباســـچی در برنامه تلویزیونی گفت ما باید آژانس را قانع می‌کردیم که دنبال ساخت بمب اتمی نیستیم. عرض می‌کنم وقتی ۱۶ نهاد اطلاعاتی و امنیتی آمریکا اعلام کردند ایران در پی تولید سلاح هسته‌ای نیست، چرا ایشان چشمانش را روی بهانه‌جویی‌های آمریکا بسته و ایران را مقصر جلوه می‌دهد. اگر در خلوت خودشـــان کمی به وجدانشان مراجعه کنند قطعاً در زمین دشمن بازی نخواهند کرد اما حیف که چنین نمی‌کنند!

رحیمی‌خواه

* با کد ملی افراد می‌توان به طور کامل از وضعیت زندگی افراد مطلع شد. چطور دولـــت مردم را ملزم کرده که برای دریافت افزایش کالابرگ ۵۰۰ هزار تومانی با مراجعه به کافی‌نت‌ها و صرف وقت زیاد، خود اظهاری نمایند؟!

فرهاد حسینی

* نیاز به بررســـی اســـت که چگونه برخی افراد با درآمد حداقلی ۲۰ میلیونی در دهک ۸ قرار گرفته‌اند؟! در حالی که بر عکس آن برخی نیز با داشـــتن کامیون و مسکن و درآمد بالا در دهک سوم قرار دارند!

فرهادی